

## انگلیس: آزادانه نبود!

صفحه ۲

قیمت سوخت  
حمل و نقل افزایش نیابد

پای بوتین

روی گاز تهدیداروپا

شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۲ ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۳۵ ۱۲ آوریل ۲۰۱۴ سال ششم شماره ۱۲۸۹ صفحه ۵۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

# وطن امروز

اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی



وزارت خارجه آمریکا گزارشی از مفاد

دور جدید گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و ۱+۵ منتشر کرد

## پشت پرده وین

صفحه ۲

شده است. چون خمس برای حکومت اسلامی است یعنی از جنس مالیات است و حکومت می‌تواند در همه امور هزینه کند اما زکات فقط برای فقراست. یعنی فرض کنید که ما منابع عمومی را در اختیار قرار دادیم اما باز هم عدای فقیر هستند. حالا یک امکانی وجود دارد که از برخوردارها بگیرند و به دیگران بدهند.
جالب است بدانید که در اسلام مرزی وجود دارد که کفاف زندگی است. اگر فرد پایین‌تر از آن بیفتد، باید زکات بگیرد و اگر بالاتر از آن بیفتد باید خمس بدهد. سیستم کاملی است. این خط هم خط مطلق فقر نیست که کف زندگی باشد بلکه زندگی آبرومند مدنظر است. یعنی این‌چور نیست که بگویم یک فقر وجود دارد که حتماً باید از آن پایین‌تر برود تا مستحق شناخته شود. ممکن است آدم‌هایی باشند که به دلیل آبرو یا دلایل دیگر سطح زندگی‌شان باید بالاتر باشد. حتی حکومت باید تأمین کند. اگر آبروی کسی وابسته به این بود که یک ماشین خیلی خوب داشته باشد، سیستم باید این کار را برایش بکند. پس دو تا مفهوم به وجود می‌آید: فقر مطلق و فقر نسبی.
موضوع فقر مطلق حداقل‌های زندگی است ولی موضوع فقر نسبی مقایسه با دیگران است. ممکن است من فقیر مطلق نباشم اما نسبت به دیگران عقب باشم بنابراین حفظ انسانیت مهم است. مثلاً ما بختی داریم به اسم مفلس یعنی ورشکسته. یک آدم پولداری که ورشکسته شد، اموالش مصادره می‌شود تا به طلبکارها بدهند. می‌گویند: اموالش تا آن مقداری را بگیرد که باقیمانده‌اش لایق حال او است و برای او حفظ آبرو می‌کند. مثلاً اگر کسی ماشین خوب سوار می‌شد، نباید آن را از او بگیرند که وسط خیابان خوار شود.

■ **برعکس مبانی غربی در اسلام فقط حق حیات مطرح نیست بلکه باید کرامت انسانی حفظ شود!**

بله! کرامت انسان یعنی ما با فقر مبارزه می‌کنیم چون کرامت در ذات انسان است. حفظ انسانیت انسان کمتر از حفظ حق حیات نیست. در مبانی غربی حق حیات موضوعیت دارد اما در مبانی اسلامی، کرامت انسانی باید حفظ شود. این کرامت نیز دوسویه باید حفظ شود. هم فقیر باید حفظ کند که می‌گویند صورتش را با سیلی سرخ نگه دارد و عرض نیاز نکند؛ این‌طور نیست که خوش‌حال باشد که کم‌بته امداد کمکش می‌کند، چون باید کرامت و عزتش را حفظ کند. از آن طرف آدم برخوردار هم باید بموقع و بدون نیاز به سوال به او بدهد تا کرامتش حفظ شود. علاوه بر این، دو طرف باید بزرگوارانه برخورد کنند. وقتی انسان کمک می‌کند نباید دیده شود. در خفا کمک کند یعنی حفظ آبرو کند.

ادامه در صفحه ۱۲

حقوق اقشار ضعیف جامعه در گفت‌وگو با دکتر عطاءالله ربیعی آتانی

### نگرانیم نگاه منفعت‌طلبانه غربی ما را خفه کند

■ گفت‌وگو: سیدمهدی موسوی

اگر با این دید نگاه کنیم، کسی که فقیر است صبر می‌کند و استغنا می‌جوید. یعنی فقر خودش را باعث ذلت خودش قرار نمی‌دهد. کار و تلاش می‌کند چون می‌خواهد رشد کند. فقیر در کنار کار و تلاش، خدا را شکر می‌کند و خودش را با بدتر از خودش مقایسه می‌کند. همه چیزهایی را که ما و شما آن را برای او مانع می‌بینیم، تبدیل به فرصت می‌کند. حتی ممکن است به اینجا برسد که بگوید اصلاً من ثروتمندی را نمی‌خواهم، می‌خواهم تعالی پیدا کنم. خداوند متعال ابزار به این خوبی به من داده که بتوانم از دنیا جدا بشوم. همین که این حس را پیدا بکنم در مسیر تربیت قرار گرفته‌ام. کسی که پولدار است می‌گوید من آمده‌ام در این عالم رشد کنم و پولداری من و فقر طرف مقابل، یک فرصت عظیمی برای من است. حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه نامه معروفی به امام حسن مجتبی(ع) دارند که مضمونش این است: آن فقیری که تو به او کمک می‌کنی باید خیلی ممنون و باشی. وقتی به فقیری کمک می‌کنی مثل این است که باری به او دادهای که تا قیامت آن را برای تو بیسورد یعنی روزی که از هر روزی به آن چیز نیازمندتر هستی. آن را به تو پس می‌دهد. فقرا چنین نقشی را برای زندگی اغنیا ایفا می‌کنند. حال از این نگاه و تعبیر امام(ره)، فقرا هستند؛ «ولی نعمتان ما». یعنی همه‌کاره آنها هستند.

■ **تا اینجا بیشتر از منظر فردی به این موضوع نگاه کردیم. یعنی وظایفی که من فقیر یا ثروتمند در برابر دیگران دارم. نظام اجتماعی و سیاسی چه نقشی در این مساله دارد؟**

مبانی بحث دوم ما ای‌های است که می‌فرماید: «و فی اموالهم حقّ للساائل والمحروم» (الزّاریات/ آیه ۱۶). در اموال اغنیا حقی برای فقرا وجود دارد. مرحوم شهید صدر درباره این حق فقرا دو مساله را بیان می‌کند. یکی حق اخوت است: «فما للمؤمنون اخوه». مثلاً می‌گویند در زمان ظهور افراد از جیب هم پول برمی‌دارند. در واقع فقیری وجود ندارد یعنی همه به حقوق و وظایفش آشنا هستند. دوم اموال عمومی است. جالب است بدانید که تمام اموال طبیعی و ثروت‌های طبیعی مال همه مردم است و فقیر و غنی در آن فرقی ندارند. حالا شما ابزاری مثل مالیات‌های اسلامی را هم اضافه کنید. اما اصل این اموال، اموالی است که نیاز نیست از شما بگیرند و به دیگران بدهند. مال همه مردم است. اما اگر این کافی نبود، باز هم چیزی مثل زکات تعریف

اما همه انسان‌ها در نگاه حداقلی باید زندگی کنند و تداوم حیات داشته باشند. اینکه به چه شکلی نیازهای اینها تأمین می‌شود، آنقدرها مهم نیست. بالاخره در نظام‌های فرهنگی، انقلاب در دیدار با خیرگان ملت فرمودند: «با مسائلم فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد. بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به‌وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود آن را از امدد

کرد، پول جمع کرد یا سبید کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود.» نحوه مواجهه صحیح با مقوله «فقر» باعث شد سراغ دکتر عطاءالله ربیعی آتانی، مدیر گروه اقتصاد موسسه آموزش عالی علوم انسانی و استاد دانشگاه علامه برویم. وی که دبیری علمی اولین و دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی و همایش‌های ملی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت‌رادر استادهای اقتصادی نیست که بشود آن را از امدد کرد، پول جمع کرد یا سبید کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود.» نحوه مواجهه صحیح با مقوله «فقر» باعث شد سراغ دکتر عطاءالله ربیعی آتانی، مدیر گروه اقتصاد موسسه آموزش عالی علوم انسانی و استاد دانشگاه علامه برویم. وی که دبیری علمی اولین

از مهم‌ترین راه‌ها برای برخورد فرهنگی با این پدیده می‌داند و می‌گوید وقتی با نگاه دینی به این مساله نگاه کنیم متوجه می‌شویم کمک به فقیر راه تعالی فرد غنی را فراهم می‌کند، و از این نگاه و تعبیر حضرت امام، فقرا می‌شوند «ولی نعمتان ما». وی همچنین به ابزارهای حکومت اسلامی برای رفع پدیده فقر اشاره دارد که از جمله آن به اموال عمومی، مالیات‌ها، درآمدهای عمومی چون درآمدهای نفتی، زکات و خمس اشاره می‌کند اما نگران نگاه منفعت‌طلبانه غربی است که در جوامع اسلامی هم در حال گسترش است. در لابه‌لای صحبت‌های وی در یافتیم که شاید مهم‌ترین نکته این گفت‌وگو معطوف به فقر فرهنگی جامعه است. دکتر آتانی فقر فرهنگی را اینگونه مثال می‌زند: «واقعاً من فکر می‌کنم کسی که در شمال شهر تهران کسی را ندارد و به جای اینکه با بچه‌هایش زندگی کند با سگش زندگی می‌کند، او از زندگی محروم‌تر است نسبت به کسی که جنوب تهران نشسته و فقط پول سنگسگرش را دارد ولی وقتی اذان مغرب را می‌شنود، با چه نشاطی به سمت جایی که دلش می‌تپد می‌دود.»

■ **بچثمان را با اهمیت مساله حمایت از اقشار ضعیف جامعه شروع کنیم.** از نظر شما این حمایت در کشورهای اسلامی و غیراسلامی چه تفاوت‌هایی دارد؟

یکی از مسائل همه جوامع با هر تفسیر فلسفی از زندگی، این بوده است که بخشی از اقشار جامعه به دلایل گوناگون از مواهب مادی برخوردار نیستند.

**گفت‌وگو**
یکی از شعارهای دولت جدید «بالا بردن کرامت انسانی» و «بازگرداندن عزت نفس» مردم بود اما سوءتدبیر در اجرای طرح توزیع سبید کالا، از پیشنهادهای اجرا، چهره نامناسبی را از ایران به جهان مخابره کرد. این روزها نیز شاهد

مواجهه نادرست دولت در مساله یارانه نقدی هستیم. نحوه مواجهه با پدیده‌هایی مثل فقر بیش از مواجهه اقتصادی، به رویکرد فرهنگی نیاز دارد. رهبر حکیم انقلاب در دیدار با خیرگان ملت فرمودند: «با مسائلم فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد. بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به‌وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود آن را از امدد کرد، پول جمع کرد یا سبید کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود.» نحوه مواجهه صحیح با مقوله «فقر» باعث شد سراغ دکتر عطاءالله ربیعی آتانی، مدیر گروه اقتصاد موسسه آموزش عالی علوم انسانی و استاد دانشگاه علامه برویم. وی که دبیری علمی اولین و دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی و همایش‌های ملی الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت‌رادر استادهای اقتصادی نیست که بشود آن را از امدد کرد، پول جمع کرد یا سبید کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ این‌جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل ترمیم نخواهد بود.» نحوه مواجهه صحیح با مقوله «فقر» باعث شد سراغ دکتر عطاءالله ربیعی آتانی، مدیر گروه اقتصاد موسسه آموزش عالی علوم انسانی و استاد دانشگاه علامه برویم. وی که دبیری علمی اولین

از مهم‌ترین راه‌ها برای برخورد فرهنگی با این پدیده می‌داند و می‌گوید وقتی با نگاه دینی به این مساله نگاه کنیم متوجه می‌شویم کمک به فقیر راه تعالی فرد غنی را فراهم می‌کند، و از این نگاه و تعبیر حضرت امام، فقرا می‌شوند «ولی نعمتان ما». وی همچنین به ابزارهای حکومت اسلامی برای رفع پدیده فقر اشاره دارد که از جمله آن به اموال عمومی، مالیات‌ها، درآمدهای عمومی چون درآمدهای نفتی، زکات و خمس اشاره می‌کند اما نگران نگاه منفعت‌طلبانه غربی است که در جوامع اسلامی هم در حال گسترش است. در لابه‌لای صحبت‌های وی در یافتیم که شاید مهم‌ترین نکته این گفت‌وگو معطوف به فقر فرهنگی جامعه است. دکتر آتانی فقر فرهنگی را اینگونه مثال می‌زند: «واقعاً من فکر می‌کنم کسی که در شمال شهر تهران کسی را ندارد و به جای اینکه با بچه‌هایش زندگی کند با سگش زندگی می‌کند، او از زندگی محروم‌تر است نسبت به کسی که جنوب تهران نشسته و فقط پول سنگسگرش را دارد ولی وقتی اذان مغرب را می‌شنود، با چه نشاطی به سمت جایی که دلش می‌تپد می‌دود.»

■ **بچثمان را با اهمیت مساله حمایت از اقشار ضعیف جامعه شروع کنیم.** از نظر شما این حمایت در کشورهای اسلامی و غیراسلامی چه تفاوت‌هایی دارد؟

یکی از مسائل همه جوامع با هر تفسیر فلسفی از زندگی، این بوده است که بخشی از اقشار جامعه به دلایل گوناگون از مواهب مادی برخوردار نیستند.

تیرتیرهای روز
برونده لیگ برتر سیزدهم بسته شد

## جام فولادی

■ جام به اهواز رفت؛ پرسپولیس و نفت تهران سهمیه آسیایی گرفتند



همین‌صفحه

رئیس فراکسیون زنان مجلس درباره دریافت یارانه نقدی عنوان کرد

## انتقاد از محاسبه درآمد زنان

گروه اجتماعی: در حال حاضر شاهد هستیم برای ثبت‌نام یارانه، درآمد زنان شاغل نیز به عنوان یکی از این‌ها در فرم مورد نظر لحاظ شده است در حالی که درآمد زن متعلق به خودش است. فاطمه رهبر، رئیس فراکسیون زنان مجلس با بیان این مطلب گفت: سازمان هدفمندی یارانه‌ها اعلام کرده معیار دریافت یارانه خانواده‌ها درآمد...

صفحه ۴

■ از متن تا حاشیه فیلم جنجالی دارن آرنوفسکی ۹/ دخالت آمریکا در ارسال گاز سارین به سوریه ۱۱/ ناکامی آذربایلی ۳۰۰ میلیونی ۴/ جراحی اورژانسی شمشانی ۱/ «نه» دسته‌جمعی آمریکایی‌ها به ابوطالبی ۲/

#### خبرآنخر

#### فولاد خوزستان قهرمان شد

گروه ورزشی: سیزدهمین دوره لیگ خلیج‌فارس بعدازظهر جمعه در حالی به پایان رسید که حسین فرکی با شش‌گلدان شب قهرمانی در این دوره دست پیدا کردند. سرانجام بعد از کشش و قوس‌های فراوان،تسام قصبه‌های طول و دراز این فصل که آکنده به تنبلی و درگیری و جنگ تیم‌هایی مثل استقلال و پرسپولیس با وزارت ورزش بود با قهرمانی فولاد خوزستان خوزونده‌اش بسته شد. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم روز پایانی لیگ یکی از نفسگیرترین دوره‌های پایانی عمر لیگ برتر بود. ۵ تیم در بالای لیگ هر کدامشان امیدوار بودند تا بتوانند جام نقره‌ای را از آن خود کنند؛ فولاد در تیریزاستقلال در تهران،پرسپولیس در خوزستان و نفت در اصفهان. در میان تمام این تیم‌ها پرساس نظر کارشناسان فولاد در کمال شایستگی به قهرمانی رسید. روند خوب بازی‌های این تیم در طول فصل و بدون حاشیه بودن فرمزبوشان اهواز یکی از دلایل مهمی بود که قهرمانی را برای مردم خوزنگرم اهواز به آن آرمان آورد. در این جا بد نیست به نقش برنگ حسین فرکی و تلاشی که این مربی کهنه‌کار برای شش‌گردان جوانش در این دوره لیگ کشید، اشاره کنیم. فرکی در میان تمام مربیان لیگ برتر آرزو، بی‌حاشیه‌تر و بی‌ادعتر بود. شاید حالا پرسپولیسی‌ها بهتر درک کنند که چرا قهرمانی از چنگشان خارج شد. آن روزهایی که علی دایی هم خودش و هم تیم را درگیر حاشیه‌های ریز و درشت کرد باید به این بعدازظهر دلگیر در اهواز فکر می‌کرد که به‌رغم پیروزی برابر استقلال‌خوزستان باید به رتبه دومی بسنده کند البته باید گفت تنها چیزی که می‌تواند برای هواداران پرسپولیس دلگرم‌کننده باشد گرفتن سهمیه آسیایی است، چیزی که حریف سنتنی آنها یعنی استقلال از به‌دست آوردنش باز ماند. شش‌گردان امیر قلعه‌نویی در تهران با شکست سنگین ۳ بر یک مقابل تراکتورسازی هم سهمیه آسیا را از دست دادند و هم به رتبه پنجم لیگ سقوط کردند. در آن طرف نیز شش‌گردان یحیی گل‌محمدی با شکست یک بر صفر مقابل سپاهان نشان دادند از پتانسیل قهرمانی برخوردار نیستند و به رتبه سوم جدول و به‌دست آوردن سهمیه در لیگ قهرمانان آسیا رضایت دادند. برونده لیگ برتر بسته شد،مس کرمان و داماش گیلان سقوط کردند، پرسپولیس بعد از ۳ سال آسیایی شد و استقلال بعد از ۶ سال از آسیا دور ماند. سهم آقایی گلی به کریم انصاری‌فرد رسید، مهاجم جوانی که بعد از رفتنش از پرسپولیس جان دوباره‌ای گرفت.

■ **نتایج دیگر بازی‌ها:**

مس کرمان یک ..... داماش گیلان یک
فجرسپاسی ۲..... ملوان یک
زاده‌ن سورینت صفر ..... ذوب‌آهن یک
صای قم صفر ..... سایپا صفر

حاتمی کیا در برنامه «دراز»:

## به هشدار رهبری توجه نشود، بازهم فریاد می‌کشم

صفحه ۹

یادداشت روز

## پاریس و سعدآباد را به یاد بیاورید

■ مهدی محمدی

یکی از روش‌های بسیار مفید برای درک نقایص کلیدی دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم و به دست آوردن یک تخمین دقیقی از اینکه این روند در نهایت به کجا ختم خواهد شد، مقایسه تطبیقی آن با روندی است که در فاصله سال‌های ۸۲ تا ۸۴ طی شد.

بحث تفصیلی در این باره مجال بسیار وسیع می‌طلبد ولی تا آنجا که به اصول کلی مربوط می‌شود مساله بسیار ساده است.

۲ اصل راهنمای زیر که به دیپلماسی هسته‌ای ۸۲-۸۴ شکل داد، اکنون هم عیناً صادق است:

۱- اصل اعتمادسازی؛ به این معنا که تیم مذاکره‌کننده می‌پذیرد ایران به سبب عملکرد و اهدافش یک استثنا در جامعه جهانی است و برای تبدیل شدن به یک عضو عادی باید ترتیبات درازمدت اعتمادساز را بپذیرد و اجرا کند.

۲- اصل ارتقای روابط؛ به این معنا که در سیاست خارجی هیچ هدفی مهم‌تر از ارتقای روابط با غرب نیست و تقریباً هر دستاورد ملی از جمله موضوع هسته‌ای پیش پای این امر قابل قربانی شدن است (این جمله آقای ظریف را به یاد نگه دارید که زمانی گفت مساله هسته‌ای مانعی بزرگ بر سر راه اصلاح روابط با غرب است و این مانع باید براشته شود).

تیم مذاکره‌کننده آقای روحانی اکنون هم انگار نه انگار ۱۰ سال گذشته، و در این مدت هم برنامه هسته‌ای ایران و هم وضعیت ملی و جهانی به نحو کامل‌نیا بدین تغییر کرده، هنوز بر اساس همان اصول پیشین عمل می‌کند با این تفاوت که این بار روحانی رئیس جمهور است نه رئیس تیم مذاکره‌کننده، مقصود از غرب به جای اروپا، آمریکاست و همه چیز هم به ننام رای مردم در انتخاباتی نوشته می‌شود که پیام اصلی آن به طور سیستماتیک در حال تحریف شدن است.

یکی از رویه‌های عجیب و غریب و بسیار زاینبار تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای که اکنون هم عیناً در حال بازتولید است، این بود که تیم ایرانی با غرب بسیار خط‌بوشانه برخورد می‌کرد و در حالی که کارنامه اروپا در عمل به یک توافق تقریباً یک فاجعه کامل بود، توافقاتی کوچک به سرعت به توافقاتی بزرگ بدل می‌شد؛ توافقی‌هایی که اروپایی‌ها هم بهانه‌ها هم عمل نمی‌کردند.
اکتبر ۲۰۰۲ توافق سعدآباد میان تیم ایرانی و ۳ کشور اروپایی منعقد شد. طرف غربی به هیچ کدام از تعهداتش طبق این توافق که مهم‌ترین آنها عادی کردن موضوع ایران در شورای حکام بود، عمل نکرد اما چند ماه بعد توافق بروکسل که در ایران تعلیق کامل قطعه‌سازی و مونتاژ را پذیرفته بود به غرب هدیه شد. اروپایی‌ها به تعهد خود در توافق بروکسل هم که عادی کردن قرار گرفت که همه سیکیل سوخت را در ایران صرفاً در ازای مذاکره – و دیگر هیچ – تعطیل می‌کرد. توافق پاریس نیز سرنوشتی بهتر از دو توافق قبلی پیدا نکرد و اوج عمل اروپایی‌ها به آن آیین بود که در مرداد ۸۴ به ایران پیشنهاد دادند تاسیسات هسته‌ای خود را تعطیل کند و به غربی‌ها اجازه بدهد برای دانشمندان بی‌کار شده کار پیدا کنند. اما دوستان مذاکره‌کننده باز هم از پای نشنستند و در پی توافقی دیگر بودند که کار به فرجام رسید.

نکته مهم این است که تیم مذاکره‌کننده ایرانی این محاسبه‌ا رهبردی را در ذهن غربی‌ها شکل داده بود که صرف نظر از اینکه آنها به تعهداتشان عمل می‌کنند یا نه، مسیر مذاکرات و گذار از یک توافق به توافقی بزرگ‌تر و جامع‌تر ادامه پیدا خواهد کرد و هیچ شرایط مفروضی وجود ندارد که ایران تحت آن شرایط از پای میز مذاکره بلند شود و تداوم مسیر را مشروط به عمل غربی‌ها به تعهدات پیشین کند. این اتفاقی است که امروز هم به نحو زنده‌تر و البته جدی‌تری در حال وقوع است.

هم اطلاعات منابع مستقل و هم آنچه غربی‌ها خود گفته‌اند نشان می‌دهد طرف غربی به هیچ کدام از تعهداتش طبق توافق ژنو عمل نکرده است. گروه ۵+۱ (و در واقع آمریکا) ۳ تعهد اساسی در برنامه اقدام مشترک توافق شده در ژنو پذیرفت:

۱- واگذاری ۴/۲ میلیارد دلار پول نقد به ایران
۲- لغو تحریم پتروشیمی، طلا و خودرو به گونه‌ای که ایران بتواند حدوداً ۱/۳ میلیارد دلار از این ناحیه درآمد داشته باشد.

۳- باز کردن یک کانال بانکی برای خرید دارو و غذا و برخی اقلامتای دیگر به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار
اکنون ما در موقعیتی هستیم که با استناد به آنچه خود غربی‌ها گفته‌اند استدلال کنیم ۵+۱ به هیچ کدام از این ۳ تعهد عمل نکرده است.

ادامه در صفحه ۱۲

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

پیامک خوانندگان ۳۰۰۰۸۸